

## منظر ترحیمی در پادشاهی دهلی

الگوی چهارباغ در منظر ترحیمی پیش از مغول (۱۵۵۵-۱۲۰۶ م.)

**چکیده** | معماری ترحیمی در هند دوران پیش از مغول، نمونه‌های بی‌شماری از فرم‌ها و فضاها از جمله باغ‌ها را شامل می‌شود. مفاهیم شکل‌دهنده به این خاکسپاری‌ها به صورت قابل توجهی در ارتباط با عادت و رسوم زیارت یا همان بر سر مزار (سنگ قبر) رفتن است. از جمله آنچه در مقابر افراد بزرگ و مقدس مانند مقابر بزرگان «چشتیه» و همچنین پادشاهان باستان می‌بینیم، در هند از اوایل سده ۱۳ تا میانه سده ۱۶ میلادی، سیر تحول منظر و معماری در مسیری متضاد با یکدیگر، هم در مقیاس و هم در فضاها پیشرفت. مناظر ترحیمی (فرم و سبک، مکان و نحوه قرارگیری و ...) رابطه نزدیکی با رسم و آئین‌های خاکسپاری و در واقع مردم‌شناسی دارد. مرگ، خاکسپاری و مجلس یادبود هویت را نشان می‌دهد؛ انتخاب سایت خاکسپاری، سبک و موقعیت مقابر، همراه با شیوه‌ای که مراسم ترحیم سازماندهی شده و گرمای داشته می‌شده است، به بازسازی روابط دودمانی و زنده نگه‌داشتن خاطره‌شان کمک می‌کند. هدف این مقاله تاکید بر چند نکته در ارتباط به انسان‌شناسی و معماری منظر ترحیمی (باغ مقبره) در قلمرو سلاطین دهلی است.

این مقاله با اشاراتی به رابطه مردم‌شناختی و معماری منظر ترحیمی در دوره سلاطین دهلی و برشمردن نمونه‌هایی از مناظر آرامگاهی شبه قاره هند از ۱۲۰۶ تا ۱۵۵۵ م.، سیر تحول فضاها آرامگاهی از تک بناهای کوچک تا مجموعه‌های آرامگاهی با محورهای تعریف شده در بافت شهری و باغ‌های چهارقسمتی (چهارباغ) را نشان می‌دهد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آثار تقسیمات چهارتایی معروف به «چهارباغ» در مناظر ترحیمی (باغ مقبره‌ها) در هند دوران پیش از مغول وجود داشته است و شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی با بناهای مقابر در میانشان در اواخر این دوره ارتباط مستقیم با تغییر مراسم و مقیاس آن دارد.

ایو پورتر  
استاد هنر اسلامی، دانشگاه ماری، فرانسه  
yves.porter@orange.fr

ترجمه از انگلیسی:  
امیرهاشمی زادگان

amir.h191@yahoo.com

**واژگان کلیدی** | منظر ترحیمی، معماری ترحیمی، دوران پادشاهی دهلی، چهارباغ.

مرحوم شده در ارتباط دانست. این رسم احتمالاً از جشن‌های صوفی‌های چشتیه با عنوان «عرس<sup>۴</sup>» (یا عقد عرفانی) ریشه می‌گیرد. این مراسم نه تنها شامل دعا و قرائت قرآن بوده بلکه سرودهای خوانده‌شده با موسیقی قوالی، توزیع گسترده مواد غذایی و نونوار کردن محدوده را نیز دربرداشته است. آئین‌های بر سر مزار رفتن (زیارت) - بیشتر در مورد مقابر قطب‌ها و بزرگان صوفی<sup>۵</sup> و گه‌گاهی مقابر پادشاهان باستان - فرصت‌هایی برای درنگ کردن نیز بودند، آنچنان که بابر در خاطراتش شرح داده است (Babur 1989: 475-476B; Koch 2001: 165). تمام این فعالیت‌ها نیاز به مکان‌هایی برای اقامت دارند.

این شیوه‌های ترحیم در مقیاس جهانی به عنوان شرع یا قانون شناخته نمی‌شوند، به‌ویژه با وجود پیروان امروز اسلام جهانی شده و مقید به نصح صریح قرآن. چنین شیوه‌هایی عملاً با سایر جوامع خاورمیانه‌ای در تضاد است، اگرچه این شیوه‌ها در جهان ایرانی‌ها و کشورهای آسیای مرکزی (Dayeli, 2015: 538)، که پیشینه فرهنگی مشترکی با پادشاهی دهلی را نمایش می‌دهند، رایج است. مرگ، خاک‌سپاری و مجلس یادبود هویت را نشان می‌دهد؛ انتخاب سایت خاک‌سپاری، سبک و موقعیت مقابر، همراه با شیوه‌ای که مراسم ترحیم سازماندهی شده و گرمی داشته می‌شده است، به بازسازی روابط دودمانی و زنده نگه‌داشتن خاطره‌شان کمک می‌کند. هدف ما در این مقاله اشاره به رابطه مردم‌شناسی و معماری منظر ترحیمی در دوره پادشاهی دهلی و شیوه‌های سازماندهی منظر و معماری مرتبط با آن است.

#### معماری ترحیمی اولیه در دهلی

قطب‌الدین آیبک<sup>۶</sup> (۱۲۰۶-۱۲۱۰ م) بنیان‌گذار واقعی پادشاهی دهلی، هرگز عنوان سلطان را به خود نگرفت. او در باغی در لاهور به خاک سپرده شد و در مورد قبر اصلی‌اش اطلاعات زیادی در دست نیست (Welch, 1996: 87)؛ روایت‌های مربوط به اواخر قرن ۱۹ در مورد بناهای یادمانی شهر به این مقبره اشاره‌ای نکرده‌اند (Latif, 1892). اولین آرامگاه‌های سلطنتی در دهلی از نظر ابعاد ما را شگفت‌زده نمی‌کنند؛ بنابراین مقبره «ایلتتمش<sup>۷</sup>»، در مجموعه مسجد «قبط الاسلام<sup>۸</sup>» [مشهور به مجموعه قطب منار] در شهر دهلی (Kumar, 2011)، کمتر از ۱۱۵ متر عرض دارد. اگرچه، معماری بی‌نظیری از شبه قاره هند را به نمایش می‌گذارد که در آن گنبد بر روی سکنج‌ها



تصویر ۱: مجموعه آرامگاهی معروف به سلطان غاری، ساخته شده به سال ۱۲۳۱ م. عکس: Richard Castinel, 2015.

**مقدمه** | سرزمین‌های اسلام - تا به امروز - صورت‌های متنوعی از مراسم ترحیم را ارائه می‌کنند؛ این صورت‌ها به‌طور ضمنی برخاسته از آیین و رفتارهای اجتماعی و همچنین رسوم خاک‌سپاری و در برخی موارد معماری است. در این مورد اخیر، شبه‌قاره هند نمونه‌های اصیل و متنوعی را معرفی می‌کند. در واقع، خیلی پیش از مغول‌ها، حاکمان هندی مسلمان، نظام معماری ترحیمی را در باغ‌ها توسعه دادند (Welch, 1996: 87)، یا در منظر از طریق یک صحنه‌پردازی نمایشی<sup>۲</sup> سازماندهی کردند.

سلسله پادشاهی دهلی<sup>۳</sup>، در اوایل قرن ۱۳ میلادی، با بناهای یادمانی مسلمانان نظیر مسجد، مناره، یا مقبره همراه شد (Burton-Page, 2008: 55-61). شیوه‌های تدفین مسلمانان قطعاً به‌صورت بنیادی با شیوه‌های پیش از تسلط اسلام در شبه‌قاره تفاوت داشته است، به‌خصوص با دوران سلطه قلمرو اجتماعی هندو؛ این بدین معناست که وجود تعداد زیادی آرامگاه یادمانی، در نگاه جمعیت بومی به عنوان نشانه‌های آشکار حضور مهاجمان درک می‌شده است. اگرچه تلاش‌های ابتدایی معماری ترحیمی هند خیلی چشمگیر نبود، بناهای یادمانی، بعداً در هر دو زمینه مقیاس و صحنه‌پردازی توسعه یافتند، در دل مجموعه‌های مذهبی و شبکه شهری جای گرفتند، یا حتی در ساخت منظرهای آبی و/یا گیاهی استفاده شدند. افزایش ابعاد آرامگاه و همین‌طور محیط‌های پیرامونی آن را می‌توان با رسم محلی برپایی مراسم سالانه برای فرد



تصویر ۲: آرامگاه غیاث‌الدین تغلق، ساخته شده به سال ۱۳۲۵، تغلق‌آباد، هندوستان.  
عکس: Yves Porter, 2007.

تک‌راهرویی اشغال شده است که در حجره مرکزی‌اش محراب بزرگ و ظریفی از سنگ مرمر قرار دارد. جبهه شرقی نیز دارای یک ردیف ستون است، در حالی که دو جبهه دیگر حیاط دارای دیواری مسطح با تعدادی پنجره هستند. رواق‌های ستون‌دار، همراه با اتاق‌های برج‌های گوشه، می‌توانند چندین بازدیدکننده را در خود جای دهند. شیوه بر سر مزار رفتن (زیارت) در دوره‌های بعدی به تکامل می‌رسد، آنچنان که به عنوان مثال در تاج محل دیده می‌شد، جایی که مراسم عرس هر ساله با تمتراق زیادی، به سبک جشنواره‌های صوفی‌های چشتیه در اجمر و دهلی، برگزار می‌شد (Begley & Desai, 1989). مراسم بزرگداشت زمانی بود که برخی نوسازی‌ها و بهسازی‌ها باید صورت می‌گرفت، بنابراین درهای جدید، پرده نو (حجاب مقبره)، فرش‌ها و جانماز (حصیر) نمازگزاران، در کنار قرآن‌های نو، و همچنین رحل‌ها و لامپ‌ها فراهم می‌شد. هم ابعاد و هم عناصر معماری مقبره «سلطان غاری» آن را به عنوان اثری منحصر به فرد در معماری ترحیمی دوران پادشاهی اولیه معرفی می‌کند (Hoag, 1991: 142; Brown, 1956: 14; Sharma, 1974: 68-70).

در واقع، اگرچه بیشتر سلطان‌های فاتح سلسله‌های «موتزی»<sup>۱۳</sup> (۱۲۰۶-۱۲۹۰ م.) و «خلیج»<sup>۱۴</sup> (۱۲۹۰-۱۳۲۱ م.) ساخت آرامگاه‌های فردی را ادامه دادند، این بناها عموماً در ابعاد بسیار کوچک بودند، اگرچه برخی مواقع در قلب یک مجموعه

قرار گرفته است. بیشتر آرامگاه‌های بعدی نیز این شیوه و فرم قابل توجه را بکار برده‌اند (Brown, 1956: 15).

یک نمونه بسیار منحصر به فرد در این زمینه، مجموعه آرامگاهی معروف به «سلطان غاری»<sup>۱۵</sup> (غار سلطان)، ساخته شده به سال ۱۲۳۱ م. توسط ایلتمش برای بزرگداشت پسرش «نصیرالدین محمد»<sup>۱۶</sup> است (تصویر ۱). این مجموعه در حدود ۵ کیلومتری غرب قطب منار، در منطقه‌ای که در آن زمان خارج از دیوارهای شهر دهلی بوده است، در نزدیکی روستای «ماهی‌پالپور»<sup>۱۷</sup> واقع است. این مقبره در میان حیاط محصور مربع شکل عظیمی از سنگ‌های قلوهای بزرگ به عرض ۲۶ متر، با برج‌هایی در گوشه‌ها احداث شده و بخش فوقانی دیوارها با ماسه سنگ اخراپی رنگ ساخته شده است. از دور این بنای یادبود مانند یک قلعه کوچک به نظر می‌آید. در جبهه شرقی [قلعه مربع شکل]، یک طاق باشکوه همراه با پله‌هایی ما را به سمت حیاط هدایت می‌کند؛ طاق با سنگ مرمر سفید ساخته شده و با یک سنگ نوشته زیبای عربی، که تاریخ ساخت مجموعه را بیان می‌کند، آراسته شده است. در مرکز حیاط سکویی هشت ضلعی قرار دارد؛ در جبهه جنوبی این سکو، راه‌پله‌ای باریک مسیری به سمت دخمه تدفین فراهم می‌کند. در نظر بعضی نویسندگان این سکوی هشت ضلعی می‌تواند شالوده‌ای برای «چتری»<sup>۱۸</sup> (کلاه فرنگی ستون‌دار) باشد. تمام جبهه غربی حیاط با مسجد شبستانی



تصویر ۳: آرامگاه فیروز شاه تغلق، ساخته شده به سال ۱۳۸۸، حوض - خاص، هندوستان.  
 مأخذ: Richard Castinel, 2015

جانمایی می شدند.

نمونه این مجموعه‌های آرامگاهی، مقبره «علاءالدین خلیجی<sup>۱۵</sup>» (۱۲۹۶-۱۳۱۶ م.)، واقع در گوشه جنوب غربی مسجد قبط الاسلام است، که به صورت L شکل با ابعاد ۴۲ متر در ۶۶ متر ساخته شد و اکنون قسمتی از آن فروریخته است. این مجموعه آرامگاهی از یک سری اتاق‌هایی که احتمالاً به عنوان مدرسه (محل اقامت نیز به‌شمار می‌روند) مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، به همراه یک آرامگاه گنبددار مربع شکل به عرض ۱۴ متر تشکیل می‌شود. این مجموعه در مقایسه با بسیاری از مساجد دوران «علاءالدین» تا حدودی فروتنانه به نظر می‌آید. با همه این اوصاف، ایده قرارگیری آرامگاه در قلب یک مجموعه [حیاطدار] مذهبی مانند یک مدرسه یادآور نمونه‌های سلجوقی یا مملوکی<sup>۱۶</sup> در خاورمیانه است.

صحنه‌پردازی نمایی در مجموعه‌های آرامگاهی

با ظهور «تغلق شاهیان<sup>۱۷</sup>» (۱۳۲۰-۱۴۱۴ م.)، معماری ترحیمی در پادشاهی دهلی یک چرخش قابل توجه را تجربه کرد. درواقع، آرامگاه بنیانگذار این سلسله، «غیاث‌الدین تغلق» [غازی ملک] (درگذشت ۱۳۲۵ م.) ما را با چیدمان نمایی‌اش (دراماتیک) شگفت‌زده می‌کند (تصویر ۲). آرامگاه به شکل مربعی ساده به عرض ۸ متر، دارای دیوارهایی شیب‌دار از سنگ ماسه‌ای قرمز رنگ و گنبدی با جزئیاتی از مرمر سفید است. اما دلیلی که این

بنای یادبود توجه را برمی‌انگیزد به نحوه قرارگیری آن میان جزیره‌ای نظامی احاطه‌شده با دریاچه‌ای مصنوعی بازمی‌گردد. «ایسامی<sup>۱۸</sup>» (قرن ۱۴ میلادی) در توصیفی مبالغه‌آمیز این دریاچه را به دریای هفتم تشبیه، و قلعه تغلق آباد را با قفقاز مقایسه کرده است (Isami, 1948: 412). پلی به طول ۱۹۵ متر (امروز این پل با جاده قطب- بدرپور قطع شده است) که بر روی آبندهایی احداث شده بود، این جزیره کوچک را به شهر محصور تغلق آباد متصل می‌کرد. «براون» این بنای یادبود را به عنوان «یک اثر قدرتمند معنایی» توصیف کرده است (Brown, 1956: 21). مقبره با دیوارهای بلند خشنی که در مجموع سنگری با فرم پنج‌ضلعی نامنظم ایجاد می‌کنند، محصور شده است (با حداکثر طول ۹۰ متر و عرض ۴۰ متر). ورودی مجموعه را یک دروازه بزرگ و تعدادی پله شکل می‌دهد. حیاط مجموعه از طرح‌مایه نامنظم بیرونی پیروی می‌کند، و دیوارهای داخلی با حجره‌ها و راهروهای ستون‌دار به خط شده‌اند.

تالار ترحیم دارای سه قبر است، قبر میانی به غیاث‌الدین و دوتای دیگر به همسر و پسرش، «محمد بن تغلق<sup>۱۹</sup>»، اختصاص دارد. درواقع این مجموعه، مزاری اختصاصی برای این سلطان که احتمالاً آن را برای پدرش - که در اثر سقوط غرفه‌های چوبی در سال ۱۳۲۵ م. کشته شده - ساخته بوده است، شناخته نمی‌شود. فرم استحکامی این مجموعه می‌تواند با احتمال استفاده نظامی از آن توضیح داده شود (Brown, idem). با این حال، اسامی متعدد



تصویر ۴: آرامگاه مبارک‌شاه سید، ساخته شده به سال ۱۴۳۴، منطقه کوتلامبارک‌پور، هندوستان.  
عکس: Yves Porter, 2008.

سلطنتی تعلق ندارد، نمونه‌ای از طرح چیدمان شهری<sup>۲۶</sup> را نشان می‌دهد. «خان جهان» نو کیشی هندو بود که وزیر فیروزشاه شد. آرامگاه، هشت وجهی‌ای به قطر ۲۲ متر با گنبدی مرکزی احاطه شده با هشت گنبد کوچک است (Sharma, 1974: 27). این مجموعه از آن جهت که در همان محوری واقع شده است که مسجدی با نام کلان مسجد توسط پسر خان جهان در سال ۱۳۷۰ م. ساخته شده، پرسپکتیوی با عمق دید ۱۳۵ متر را شکل می‌دهد. این مجموعه در اصل در یک محوطه بزرگتر واقع شده‌است، بنابراین در مجموع طولی در حدود ۲۲۵ متر دارد. امروز این منطقه به خاطر ساخت و ساز آشفته و تجاوزگرانه کاملاً از بین رفته است.

نمونه‌های چیدمان هم‌راستای شهری [مجموعه‌های آرامگاهی] را در دیگر دوره‌های پادشاهی نیز می‌توان مشاهده کرد. پس ناآرامی‌هایی که به واسطه غارتگری تیمور در دهلی در سال ۱۳۹۸ م. رخ داد، قدرت سلطانی دهلی نیز برای چندین دهه رخت بر بست. در عوض، سلطنت‌های دیگری در «گجرات<sup>۲۷</sup>» یا «مالوا<sup>۲۸</sup>» به ظهور رسیدند. در هر دو مورد، غالباً تصویر مقام

اطلاق شده به این بنای یادبود، با مضامینی مانند «دارالامان» یا «سرزمین صلح» در تقابل با این نظر است و آراء معاصر نیز در نظامی بودن این مجموعه کاملاً تردید دارد (Sharma, 1974: 103). علاوه بر آن، حجره‌ها و دیگر فضاهای سرپوشیده به خوبی امکان استفاده بازدیدکنندگان و زائرین را داشته است، به‌ویژه در زمان مراسم سالگرد، بزرگداشت و ترحیم، آنچنان که در مقبره سلطان غاری نیز مشاهده شد.

آرامگاه «فیروزشاه تغلق<sup>۲۰</sup>» (۱۳۵۱-۱۳۸۸ م.) نیز به‌خودی‌خود حسی را برنمی‌انگیزد (تصویر ۳)؛ تنها یک مربع دارای سازه گنبدی در سقف با عرض کمتر از ۱۳ متر است. این بار نیز، موقعیت مجموعه آن را شگفت‌انگیز و الهام‌بخش کرده است. درواقع آرامگاه در محل تلاقی یک فرم پیچیده L مانند با ابعاد ۱۴۰ در ۹۰ متر، شامل یک نمازخانه و دو مدرسه واقع شده است. این سازماندهی در مجموعه علاءالدین در مقیاسی کوچک‌تر نشان داده شده بود. چشم‌انداز تمام این ساختمان‌ها در اینجا یک دریاچه مصنوعی بزرگ به نام «حوض - خاص<sup>۲۱</sup>» است (Welch, 1996: 78-83). این دریاچه که در ابتدا توسط علاءالدین خلجی با ابعاد ۶۰۰ متر در ۴۵۰ متر ساخته و سپس به نام حوض علایی شناخته شد، توسط فیروزشاه تمیز و بازسازی گردیده‌است (Porter 1992: 174). دریاچه کنونی بسیار کوچکتر (۳۶۰ در ۲۴۰ متر)، و در منظر باغی، بیشتر به سبک دوران استعماری انگلیس، واقع است.

از سمت دریاچه، مجموعه آرامگاهی منظره‌ای وسوسه‌انگیز دارد. راه‌پله‌ای باشکوه در گوشه راست مجموعه L شکل واقع است و دیدی مرحله‌بندی شده و نمایشی را به سمت تالارهای متفاوت ستون‌دار در دوطبقه واقع بر پایه ستونی رفیع فراهم می‌کند. دیده شدن از ترازوی پایین باعث می‌شود آرامگاه بلندتر از آنچه در واقعیت است، به نظر برسد.

هم عناصر آبی و عناصر دخیل در صحنه‌پردازی‌های نمایشی تأثیرات بنا در نمونه‌های بعدی استفاده شده‌اند، به‌ویژه در مقبره «شیرشاه سوری<sup>۲۲</sup>» واقع در «سیرام<sup>۲۳</sup>». براساس کتیبه ثبت تاریخ در بالای سردر ورودی بنا، آرامگاه فیروزشاه در سال ۱۵۰۷ م. توسط سکندر لودی بازسازی شده است (Sharma, 1974: 80). این از نمونه‌های نادر است که یک سلطان از پیشینیان خود تجلیل کند.

نوع دیگری از صحنه‌پردازی در سازماندهی مجموعه‌های ترحیمی<sup>۲۴</sup> در قلب بافت شهری بازنمایی شده است. مجموعه «خان جهان تلانگانا<sup>۲۵</sup>» (۱۳۷۰ م.) در دهلی، اگرچه به خاندان



تصویر ۵: آرامگاه محمدشاه، ساخته شده به سال ۱۴۴۶، باغ لودی، دهلی، هندوستان.  
عکس: Yves Porter, 2015

در چهارباغ‌های باشکوه آرامگاهی‌شان مورد استفاده قرار دادند. افزایش فضای اختصاص یافته به مجموعه‌های ترحیمی می‌تواند به افزایش مجدد علاقه به برگزاری مراسم زیارت و عرس مرتبط باشد.

#### زوال و تجدید حیات

بعد از غارت دهلی، «خضرخان»<sup>۳۲</sup> قدرت را در سال ۱۴۱۴م. به دست گرفت، و امپراتوری «سلسله سید»<sup>۳۳</sup> را بنا نهاد. حکومت وی پس از مرگش در سال ۱۴۳۴م. توسط مبارک شاه ادامه یافت. محل دفن او یک آرامگاه هشت‌ضلعی باشکوه واقع در باغ هشت‌ضلعی محصور است (تصویر ۴). دیوار حصار در سه محل با دروازه (شمال، جنوب، شرق) باز شده است، اگرچه امروز هیچ‌یک از آن‌ها قابل مشاهده نیست (Sharma, 1974: 87). در فضای باز درختانی کاشته شده بود، که تا قرن ۲۰ میلادی هنوز قابل مشاهده بوده‌اند (Ahmad, 1919: 82; Fanshawe. 1902: 245). در جبهه غربی، با فاصله ۶۰ متری از مقبره، مسجدی (۲۲ در ۱۰ متر) با سه گنبد قرار دارد. یافتن پلان اصلی مجموعه امروز غیرممکن است؛ اگرچه، شعاع فضای محصور شده هشت‌ضلعی حدود ۱۶۰ متر بوده است. «جی. برتون-پیچ»<sup>۳۴</sup> به وجود چاهی درون این

سلطنت در معماری ترحیمی بازتاب می‌شد. در احمدآباد نمونه‌ای برجسته از این دست معماری را در مجموعه سلطان احمد اول (۱۴۱۱-۱۴۴۲م.) می‌توان یافت. در اینجا، گنبد بر پلانی مربع با اضلاع ۳۳ متر قرار گرفته است؛ ولی این مقبره نیز در یک پرسپکتیو شامل همان محوری که مسجد جامع (۱۵۵ متر طول) و آرامگاه ملکه «رانیکی هوچرا»<sup>۳۵</sup> (عرض ۴۸ متر) قرار دارد، در جمع بیش از ۳۰۰ متر طول را به خود اختصاص داده است (Brown 1956: 51-53).

در «ماندو»<sup>۳۶</sup>، پایتخت سلطنت مالوا، نمونه‌ای مشابه از این نوع هم‌راستاسازی دیده می‌شود. این مجموعه توسط آرامگاه سلطان هوشنگ، مسجد جامع و مقبره خلجی که با عنوان «اشرفی محل»<sup>۳۷</sup> شناخته می‌شود شکل گرفته است؛ ساخت این مجموعه در سال ۱۴۵۰م. به اتمام رسید (Porter, 1994: 23-36). مجموع طول محور این اثر بیش از ۳۷۵ متر است.

اگرچه این نمونه‌ها به صورت سیستماتیک در باغ‌هایی مناسب و منظم قرار نگرفته‌اند، با این حال می‌توان استفاده از سطوح آب و منظر واقعی و یا مفاهیم شهری در طرح آن‌ها را مورد توجه قرار داد. این می‌تواند میل به مسلط شدن بر فضا و عناصرش را بازتاب کند، آنچنان که امپراتوران مغول بعدها

واقع در مرکز باغ منتهی می‌شوند. تالار گنبددار ترحیم ورودی مشخصی از سمت جنوب دارد و داخل آن هشت قبر است. این بدین معناست که یادمان به عنوان مقبره خانوادگی استفاده می‌شده است.

بناهای یادمانی بسیاری کمی متعلق به سلسله سید شناسایی شده است؛ به‌علاوه قدرت سیاسی آن‌ها مانند قلمروشان زوال پادشاهی دهلی را نشان می‌دهد. این حقایق، وجود چنین مقبره‌هایی را [در این دوره] هم به لحاظ مقیاس بنای یادبود و هم قرارگیری‌شان در باغ بیشتر شگفت‌انگیز می‌نمایند.

چند دهه بعد، سومین مقبره سلطنتی، در نزدیکی مقبره قبلی، همچنان ویژگی‌های مشابهی را نمایش می‌دهد. این آرامگاه «سکندر لودی<sup>۴۱</sup>» (۱۴۸۹-۱۵۱۷ م.) است (تصویر ۶). مجموعه بر روی سکوی‌ای مرتفع ساخته‌شده و یک ردیف از طاقچه‌ها در چهار وجه آن گسترده شده است. دسترسی به آرامگاه، که در یک باغ محصور به ضلع ۸۰ متر واقع شده است، از سمت جنوب از طریق یک دروازه با تراس (۱۵ در ۱۸ متر) احاطه‌شده با چتری‌های کاشی‌کاری شده، امکان‌پذیر است. چهار مسیر پیاده، باغ را به چهار قسمت کرده و به آرامگاه هشت‌ضلعی منتهی می‌شوند؛ مسجدی در دیوار سمت غربی محوطه محصور دیده می‌شود، درحالی‌که تمام دیوارهای محوطه از داخل امتدادی از طاقچه‌های طاقی شکل را نشان می‌دهند. این طاقچه‌های کوچک احتمالاً به‌عنوان سرپناه‌های موقت استفاده می‌شده است.

این سه مثال آخر به‌وضوح نشان می‌دهند که باغ‌های چهاربخشی معروف به «چهارباغ» در هند پیش از مغول به‌خوبی شناخته‌شده

فضای باز محصور، که امروز شناسایی موقعیتش ممکن نیست، اشاره می‌کند (Burton-Page, 2008 : 57). امروز، فضای داخلی این مجموعه کاملاً از تراکم شگفت‌انگیز ساختمانی منطقه‌ای که «کوتلا مبارک پور<sup>۳۵</sup>» نامیده می‌شود پر شده است.

آرامگاه در حالت اولیه، در میانه هشت‌ضلعی‌ای قرار داشته که دسترسی به آن از طریق چهار مسیر پیاده مهیا شده بود؛ قطر آرامگاه ۲۲.۵ متر است و فرم آن شامل یک گنبد مرکزی بزرگ احاطه‌شده با هشت گنبد کوچک بوده است. هشت وجه بنا با ایوان‌های ستون‌داری باز است. طرح اولیه بنا از آرامگاه «خان جهان تلانگانی<sup>۳۶</sup>» که اولین نمونه پلان هشت‌ضلعی در دهلی است، الهام گرفته است. آرامگاه مبارک شاه احتمالاً اولین نمونه مقبره‌های سلطنتی است که در دهلی میان یک باغ ترحیمی محصور واقع شده بوده است. یک قرن بعد، در ۱۵۴۷ م.، طرح مایه‌ای بسیار مشابه در آرامگاه «عیسی‌خان<sup>۳۷</sup>» آن‌چنان که در ادامه می‌بینیم، وجود دارد.

محمدشاه (۱۴۳۵-۱۴۴۶ م.) جانشین مبارک شاه نیز در یک مقبره هشت‌ضلعی با ویژگی‌های مشابه به خاک سپرده شده است (تصویر ۵). اگرچه، این آرامگاه با فاصله‌ای نزدیک به دو کیلومتر در شمال نمونه قبلی، در کنار روستای «خیرپور<sup>۳۸</sup>» واقع شده است. بیشتر این روستا در سال ۱۹۳۰ با تبدیل شدن به پارک «لیدی ویلینگدون<sup>۳۹</sup>» از بین رفت؛ امروز تمام منطقه شامل یک منظر باغ است که به «باغ لودی<sup>۴۰</sup>» شناخته می‌شود (Sharma, 1974: 91-95). آرامگاه در یک باغ مربع شکل به ضلع ۸۰ متر واقع است، و چهار مسیر پیاده از مرکز اضلاع به سمت یک تراس هشت‌ضلعی



تصویر ۶: آرامگاه سکندر لودی، باغ لودی، ساخته شده به سال ۱۵۱۷ م دهلی، هندوستان.  
عکس: Yves Porter, 2015.

بوده است.

اگرچه آرامگاه‌های سلطنتی سوری بیشتر خارج از دهلی ساخته شده‌اند، در مورد مقبره عیسی‌خان که مرگش در سال ۱۵۴۷ پایان رسمی سلسله به شمار می‌رود، اینگونه نیست (تصویر ۷). مجموعه آرامگاهی او در مقابل آرامگاه همایون که تنها دو دهه بعد کامل شده است قرار دارد. مجموعه دیواری هشت‌ضلعی با قطر ۱۲۸ متر است، که در سمت شمال از طریق دروازه‌ای باشکوه گشوده شده است. باغ به‌وسیله مسیرهایی به چهار قسمت تقسیم شده است، مقبره مرکز نیمه دوم را به خود اختصاص داده است، هشت وجهی‌ای با دیوار کوتاه. طرح معماری آن به آرامگاه‌های «لودی» و «سید» بسیار نزدیک است، اگرچه به‌صورت پرخرجی با آجرهای شیشه‌ای تزئین شده‌اند. در جبهه غربی محوطه محصور، یک مسجد با سه گنبد وجود دارد که بسیار شبیه به طرح مجموعه مبارک شاه است.

عمر کوتاه «سلسله سوری»<sup>۴۲</sup> (۱۵۴۰م-۱۵۵۵م) نشان از دوره متزلزل بین عزیمت همایون به ایران صفوی و بازگشتش به هند است. آرامگاه‌های سوری حتی از نمونه‌های پیش از خود نیز چشمگیرتر هستند. بنابراین مقبره خارق‌العاده شیر شاه، واقع در سسرाम در استان «بهار»<sup>۴۳</sup>، در میان یک استخر بزرگ (۳۳۵ متر در ۲۵۵ متر) قرار دارد. سکویی مربع شکل به عرض ۷۶ متر پایه‌ای برای آرامگاه شکل می‌دهد. آرامگاهی که گنبد مرکزی‌اش همراه با چتری‌های قمرگونه‌اش پیرامون گنبد اصلی نوعی هرم‌سازی را تداعی کرده و ۴۵ متر از تراز آب بالا آمده است. بدون شک، در زمان خود چشمگیرترین مقبره ساخته شده در شبه‌قاره بوده است. در نزدیکی مقبره شیرشاه، آرامگاه پدرش، سلیم شاه، قرار دارد؛ تناسبات در آن کوچک‌تر است، اگرچه در باغی به ضلع ۱۰۰ متر واقع شده است.



تصویر ۷: آرامگاه عیسی‌خان، ساخته شده به سال ۱۵۴۷م. عکس: Yves Porter, 2008.



رکود در یادبودها، که می‌توانسته قدرتی موازی با سلطان محسوب گردد، شد. اگرچه؛ در طول این دوره «نحطاط» باغ‌های ترحیمی به شکل چهارباغ توسعه یافتند. در این زمان باغ‌ها چارچوب و فضایی مناسب برای فعالیت‌های موقت ارائه می‌کردند. آرامگاه مبارک شاه (۱۴۳۴م.) احتمالاً اولین نمونه مقبره‌های سلطنتی است که در دهلی میان یک باغ ترحیمی محصور واقع شده است. این نکته قابل توجهی است که نشان می‌دهد باغ‌های چهاربخشی معروف به «چهارباغ» در هند پیش از مغول به خوبی شناخته شده بوده است.

آرامگاه شیرشاه سوری در سسررام، هم به لحاظ تناسبات و هم به لحاظ بیان نمایشی در چیدمان محیط، نشان‌دهنده اوج معماری ترحیمی پادشاهی است.

در دوران مغول، آرامگاه‌هایی با پلان هشت‌ضلعی بعضی اوقات استفاده می‌شده است، ولی نه برای مقابر سلطنتی. بلکه برای باغ‌هایی برای احترام، مانند آرامگاه همایون که به صورت یک چشم‌انداز توسعه‌یافته از همسایه خود یعنی مقبره عیسی‌خان ظهور یافت. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، مراسم ترحیم معروف به «عرس» به خوبی در زمان شاه جهان ثبت شده است. مجموعه تاج‌محل، همراه با بخش‌های مربوط به خدمه، تالارهای بی‌شمار ستون‌دار و غرفه‌هایی در باغ، مظهر اوج این سیر تجربه‌ها است. مسائل دیگری برای بررسی باقیمانده‌اند، به‌ویژه بحث چارچوب قانونی محوطه‌هایی که قبرستان‌ها در آن واقع می‌شوند؛ وضعیت زمین‌های وقف‌شده که در حقیقت هر دو جنبه معنای مذهبی و اجتماعی را دارند. زمین‌هایی که با اجازه‌دادن به شکل‌گیری اجتماع دین‌داران به صورت موقت یا دائم به فضاهای خاص و مهم تبدیل می‌شدند. این حتی می‌تواند دست‌اندازی‌های اخیر در برخی مناطق خاص مانند «کوتلامبارک پور» یا «نظام‌الدین بستی»<sup>۴۴</sup> ایجاد کرده‌اند را توضیح دهد.

**نتیجه‌گیری** | در یک بازه زمانی بیش از سه قرن، معماری ترحیمی (آرامگاهی) در پادشاهی دهلی یک الگوی تعیین‌شده و منحصر به فرد را پیگیری نکرده است. بعلاوه اینکه در این مدت حداقل شش سلسله متفاوت بر تخت پادشاهی دهلی نشسته‌اند. این موارد به‌طور واضحی نشان از تغییرات سبک یا زیبایی‌شناسی ناشی از سیر تحولات سلیقه در زمان دارد؛ ولی همچنین نشان می‌دهد که زنجیره جانشینان مکرراً شکسته است. بنابراین وفاداری به اجداد که با ساخت مقابر نمادپردازی می‌شود ممکن است در هنگام انقطاع‌های خانوادگی سلطنت تعجب‌برانگیز باشد. باین حال، حاکمان جدید که به قدرت می‌رسند بیشتر مواقع مکان‌های ترحیم و خاکسپاری گذشتگان را نابود نکرده‌اند. و حتی، شواهدی هست که شاهان یادبودهای گذشته را بازسازی می‌کردند؛ به‌عنوان مثال بازسازی آرامگاه فیروزشاه توسط سکندر لودی.

بررسی سیر تحول منظر آرامگاهی در هندوستان پیش از مغول نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی میان شکل‌گیری منظر ترحیمی و مراسم و آئین‌های مربوط به زمان خاک‌سپاری یا بزرگداشت‌ها وجود دارد. این رابطه چگونگی تحول فضاهای آرامگاهی از تک‌بناهای کوچک تا مجموعه‌های آرامگاهی با محورهای تعریف شده در بافت شهری و باغ‌های چهارقسمتی (چهارباغ) در اواخر این دوران را نشان می‌دهد. آنچنان که نشان داده شد مرحله اول معماری پادشاهی دهلی اوایل قرن ۱۴ میلادی با مجموعه ترحیمی علاءالدین پایان یافت؛ مقایسه این یادبود با مجموعه فیروزشاه تغییرات عجیب در مقیاس و صحنه‌پردازی نمایشی چیدمان‌های محیط را که در کمتر از یک دهه رخ داده است، آشکار می‌سازد. این تحول در مقیاس ممکن است بازتابی از افزایش مراسم یادبود باشد که به طبع نیازمند فضاهای بزرگتری بوده است.

پس از ناآرامی‌های حاصل از حمله تیمور، معماری دچار نوعی

## پی‌نوشت

- ۵- در متن اصلی از واژه قدیسان صوفی (sufi saints) استفاده شده است. Qutb al-Din Aybak -۶
- ۷- Ilututmish: شمس‌الدین ایلتمش (۱۲۱۱-۳۶) سرشناس‌ترین فرمانروای پادشاهی دهلی، نخستین دودمان سلطنت دهلی است. او غلام و داماد قطب‌الدین ایبک بود. Qubbat al-Islam -۸
- ۹- Sultan Ghari

- ۱- Chishti: چیشتی یکی از سلسله‌های تصوف است که بیشتر در افغانستان و شبه‌قاره هند گسترش داشته است. Dramatic -۲
- ۳- Delhi Sultanate
- ۴- Urs: عرس، نام مراسم ویژه سالگرد فوت بزرگان صوفی است که معمولاً در بارگاه یا مقبره آن‌ها در بسیاری از فرقه‌های صوفی‌گری به ویژه چیشتی، قدریه و ... برگزار می‌شود. برگزاری مراسم عرس در بارگاه معین‌الدین چیشتی و درگاه شریف در اجمیر در هندوستان سالانه بیش از ۴۰۰۰۰۰۰ مرید را به این شهر می‌کشاند.

urban alignment scheme -۲۶	Nasir al-Din Muhammad -۱۰
Gujarat -۲۷	Mahipalpur -۱۱
Malwa -۲۸	chattri -۱۲
Rani ki hujra -۲۹	یادبود در هندوستان به کار می‌رفتند. این بناهای یادبود معمولاً در محلی که مراسم یادبود فرد مهمی برگزار می‌شده است بنا می‌شدند. این بناها عموماً با تزئینات زیاد همراه بوده‌اند. واژه chattri در زبان سانسکریت معادل «چتری» در فارسی است. گونه متنوعی از چتری‌ها به عنوان المان‌های یادبود و افتخار در معماری دوره‌های جات، ماراتا و راجپوت در هندوستان به کار می‌رفته است و به صورت گسترده‌ای در قصرها، قلعه‌ها و مجموعه‌های آرامگاهی مشاهده می‌شوند.
Mandu -۳۰	Mu'izzi -۱۳
Ashrafi Mahal -۳۱	Khalji -۱۴
Khizr Khan -۳۲	Ala al-Din Khalji -۱۵
Sayyid dynasty -۳۳	Mamluk -۱۶
J. Burton-Page -۳۴	Tughluq dynasty -۱۷
Kotla Mubarakpur -۳۵	Isami -۱۸
Khan Jahan Tilangani-۳۶	Muhammad bin Tughluq-۱۹
Issa Khan -۳۷	Firuz Shah Tughluq -۲۰
Khairpur -۳۸	Hawz-Khas -۲۱
Lady Willingdon -۳۹	Sher Shah Suri -۲۲
Lodi Garden -۴۰	Sasaram -۲۳
Sikandar Lodi -۴۱	funerary complexes -۲۴
Suri dynasty -۴۲	Khan-e Jahan Tilangani -۲۵
Bihar -۴۳	
Nizamuddin's basti -۴۴	

فهرست منابع

- Ahmad, BD. (1919). *Vaq'at-i Dar al-Hukumat-i Dihli*, vol. 3. Delhi :IMHP.
- Begley, W. E, Desai, Z. A. (1989). *Taj Mahal, the Illumined Tomb*, Aga Khan Program for Islamic Architecture. Cambridge: Cambridge Mass.
- Brown, P. ( 1956). *Indian Architecture (Islamic Period)*. Bombay: Taraporewala.
- Burton-Page, J. (2008). *Indian Islamic Architecture*, ed. G. Michell, Leyden: Brill.
- Da'vyeli, J. ( 2015). How to Do a Burial Right: Negotiations of Identity, Religious Practice and the State, *Archiv Orientalny*, 83(3): 537-567.
- Fanshawe, H C. (1902). *Delhi, Past & Present*. London: J. Murray.
- Hoag, JD. (1991) *Architecture islamique*. Paris: Gallimard/ Electa.
- Isami. (1948). *Futuh al-salatin*, Edited by Usha, A. S. Madras: University of Madras.
- Koch, E. (2001). The Delhi of the Mughals Prior to Shahjah-anabad as Reflected in the Patterns of Imperial Visits. In *Mughal Art and Imperial Ideology*. Edited by Koch,E. Oxford: Oxford University Press.
- Kumar, S. (2011). Qutb and Modern History. In *The Present in Delhi's Pasts, Three Essays Collective*. Edited by Kumar, S. Gurgaon.
- Latif, S M. (1892). *Lahore Architectural Remains*. Lahore: New Imperial Press.
- Porter, Y. (1992). Adduction et stockage de l'eau à Delhi aux XIIIe et XVe siècles, In *Archéologie islamique*, (3): 169-183.
- Porter, Y. (1994), Khalji Architecture of Mâlwa in the Light of Ma'âser-e Mahmushâhi. In *Confluence of Cultures*. Edited by Delvoye, F N. New Delhi: Manohar.
- Sharma, Y. D. (1974). *Delhi and its Neighbourhood*. New Delhi: ASI.
- Welch, A. (1996). Gardens that Babur Did Not Like. In *Mughal Gardens*. Edited by Wescoat, J.L. & Wolschke-Bulmahn , J. Washington DC: Dumbarton Oaks.